

با تقدیم تحیات امنع ابھی و با تبریک به مناسبت عید مبارکه صیام و نوروز

عزیزان دل و جان همانگونه که مستحضرید عالم انسانی در برهه ای خاص از تاریخ خود قرار گرفته و بلایی را تجربه مینماید که او را با نگرانیها و ترسهای بی شماری احاطه نموده است و بیت العدل اعظم الهی از آن به عنوان (بحران دائم التزاید جهانی سلامت) یاد میکنند

بدیهی است در چنین زمانی امکان تشکیل جلسات در کنار یکدیگر را نخواهیم داشت ولی قصد داریم در حد امکان به شکل خانوادگی و یا با استفاده از شبکه های اجتماعی برنامه ای را که برای این ایام تدارک دیده شده است ، اجراء نمائیم و با زیارت آثار مبارکه نه تنها بار دیگر خود را به اهمیت مقام رضا متذکر داریم بلکه درخصوص این موهبت الهی در مواقع نزول بلایا و وقوع سختیها به تفکر بنشینیم . به یاد داشته باشیم که هر آنچه واقع میگردد گرچه سخت است و دشوار اما گوشه ایست از اراده و نقشه حضرت بهاء الله برای عالم انسانی

امید داریم سال پیش رو مملو از عشق، خدمت، صلح، برابری، موفقیت و سلامت برای اهل عالم باشد

جانتان خوش باد

عنوان: جهد نمائيم تا به كلمه رضا فائز شويم

قسمت روحانی

۱-مناجات شروع

۲-مناجات دوم

۳- منتخباتی از نصوص حضرت بهاء الله

۴-لوح مبارک حضرت بهاء الله

۵- منتخباتی از نصوص حضرت بهاء الله

۶-لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۷-بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله

۸-شور و مشورت (به انتخاب شما)

۹-برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۰-الفت و پذیرایی

۱۱-ذکر یا الله المستغاث

هو الأقدس الاعظم

ای پروردگار من و سلطان من و محبوب من و مقصود من و معبود من، از تو می‌طلبم مرا مؤید فرمایی بر آنچه رضای تو در اوست به شأنی که مشیت و اراده خود را در مشیت و اراده تو فانی و معدوم نمایم؛ نخواهم جز آنچه تو خواسته‌ای. ترانی، یا الهی، مقبلاً إلیک و ناطقاً بذكرک و ثنائک. أسألك بأن تجعلني مطهراً عن كل ما يكرهه رضاك و تقدّر لي ما ينبغى لسماء فضلك و جودك. انك أنت المتعال المقتدر العزيز الحكيم. مجموعه آثار مبارکه، شماره ۸۴، ص ۱۲۲

۲-مناجات دوم

یا رضا از حق بطلب ترا فائز فرماید به رضای حقیقی. قسم به مقرّ عرش اعظم هر نفسی به آن فائز شد به کلّ خیر فائز است. بگو: الها کریم رحیما تویی آن سلطانی که به یک کلمات وجود موجود گشت و تویی آن کریمی که اعمالِ بندگان بخششت را منع نمود و ظهورات جودت را باز نداشت. از توسؤال می‌نمایم این عبد را فائز فرمایی به آنچه سبب نجات است در جمیع عوالم تو. تویی متقدر و توانا و تویی عالم و دانا. مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۴۲، ص ۶

۳-منتخباتی از نصوص حضرت بهاء الله

دوست لساناً دعوی دوستی نماید و فعلاً مرتکب شود امری را که ضرر آن به محبوب راجع شود. آیا بر چنین نفس چه لایق و سزاوار است؟ آیا کلمه دوست بر او اطلاق میشود و یا به اسم حبیب در نزد محبوب مذکور است؟ لا و ربّ العرش العظیم. دوست صادق آن است که از کوثر محبت دوست چنان سرمست شود که جز رضای او نخواهد، یعنی از خود املی و خواهشی و خیالی نداشته باشد و کلّ را در رضای دوست فانی مشاهده نماید. حرکت نکند مگر به اذن او و نخواهد مگر آنچه را که رضای او در اوست.

انشاء الله باید به کمال روح و ریحان به ذکر محبوب امکان به کمال حکمت ناطق باشید و در جمیع امور به افق رضا ناظر. اصل معنی توحید این است که نفوس مطمئنّه در جمیع احوال به حقّ وحده متوجّه باشند و به رضای او حرکت نمایند. اگر نفسی الیوم به جمیع اعمال خیریه و افعال حسنه عامل شود و به رضای حقّ فائز نشود البتّه ثمر نخواهد داشت . این است که می فرماید جهد نمائید تا به کلمه رضا فائز شوید. جهد نما تا کلّ به این مقام اعلی فائز شوند، لله عامل باشند و به إذن الله متمسک و به رضاء الله متشبّث.

آیات الهی ج ۲ ص ۳۰۵

۴- لوح مبارک حضرت بهاء الله

بسمی المبین الخبیر

یا فیض الله ، لسان فضل می فرماید : ابر رحمت مرتفع و از سحاب عنایت امطار مکرمت جاری . نیکوست حال نفسی که امروز از فیض فیاض حقیقی محروم نماند. انشاء الله قلوب به دریای فرح الهی متصل شود تا از کدورات و احزان عالم فارغ و آزاد گردد. از کأس بیان رحمن مَرَّةً بعد مَرَّةً آشامیدی . انشاء الله بر حفظ این مقام اعلی مؤید باشی . آنچه بر کلّ الیوم لازم و واجب آنکه کمال جدّ و جهد را در تحصیل رضای الهی مصروف دارند تا به این نعمت کبری و عطیه عظمی فائز شوند و این مقام حاصل نشود مگر به فنای محض در اراده و مشیّت حقّ. انشاء الله کلّ به تسلیم و رضا موفّق شوند و بما امره الله شاکر.

آیات الهی ج ۲ ص ۱۱۷

۵-منتخباتی از نصوص حضرت بهاء الله

به نام دوست یکتا یا امةالله، جهد نما تا تو خوشنود باشی و حقّ از تو راضی. اگر به کلمه رضا موفق شوی، لعمری دارای کلّ خواهی بود. چه که اوست کبریت احمر و اوست اکسیر اعظم و اوست آن دُرّ ثمینی که جمیع صرّافان و مقومّان از تحدید قیمت آن عاجز و قاصرند.

مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۲۷، ص ۴۸۴

بهشت و جهنّم هم در این عالم هست و هم در آن عالم. نفوسی که در این عالم به هر پیش آمدی تسلیم و لزال در حال رضا و بر مقدرات خود خشنود و قانع باشند و ابداً چون و چرا نکنند و شاکر و صابر باشند این نفوس در جنت نعیم اند"

آثار قلم اعلی جلد ۴ ص ۶۱

۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هوالبهی

ای مظهر تسلیم و رضا، اگر مظهریت این دو صفت ممدوحه و دو حقیقت محموده را به تمامها طلبی، در این حیات روحانی همیشه مست و مخمور صهبای الهی باش و از عالم وجود و حیّز شهود خبری مجو و ثمری مطلب. این قدر بدان که آنچه واقع، خیری است ساطع. حکمتش پنهان است و سببش غیر عیان. چون ظاهر گردد، هر نفسی مُذعن و قانع شود. والبهاء علیک. عع

("بشرویه، زادگاه جناب ملاحسین باب الباب"، صفحه ۴۶۱)

۷- بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله

از جمله معنی عبودیت محضه آنکه نزد آن اراده مطلقه جز تسلیم و رضا نخواهیم و غیر توکل و اعتماد به آن مشیت محیطه نجوئیم چه به سعی و اهتمام، قوانین کلّیه عوالم غیب و شهود تغییر نیابد و آن مقدرات عظیمه و میزان قضای لایتناهی هستی و وجود تبدیل نجوید. پس از برای نوع

انسان سعی و تدبّر از این دو لازم که اقوال و اعمال خویش را با قانون قدرت کامله مطابقت نماید و کمال تدبّر آنکه شخص بصیر حرکات و سکانات خود را بآن مصدر مطلق و ناموس اعظم معاینه فرماید (نه آنکه غیر آنرا بخواهد) تا افکار بر محور اعتدال دوران کند و آمال مایه کدورت و ملال نگردد و قلب مبارک حضرت انسان و سرور ذاتی و غنای فطری محبوب و مهجور نشود بیگمان یکی از نتایج مهمه شرایع الهیه اینست که انسان در آنچه دست قدرت و نظم الهی باو عنایت فرموده راضی باشد و آنرا بموقع و اعتدال بکار برد و در آن خوش ماند و یقین نماید که هر گاه از آن مقام مقدر تجاوز خواهد و رو بعدم اعتماد و توکل نهد بجای سرور کدورت یابد و بعکس اطمینان و سکون اضطرار و فتور ببیند

مأئده ج ۳ ص ۷

برنامه عید نوروز

۱- ذکر دسته جمعی (ای رب فاجعل رزقی جمالك ...)

۲- لوح مبارک عید نوروز

۳- هر نفس نو می شود دنیا و ما

لوح مبارک عید نوروز

الْأَعْظَمُ

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي بِمَا جَعَلْتَ النَّيْرُوزَ عِيداً لِلَّذِينَ صَامُوا فِي حُبِّكَ وَ كَفُّوا أَنْفُسَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ رِضَاوِكَ
أَيَّرَبَّ اجْعَلْهُمْ مِنْ نَارِ حُبِّكَ وَ حَرَارَةِ صَوْمِكَ مُشْتَعِلِينَ فِي أَمْرِكَ وَ مُشْتَغِلِينَ بِذِكْرِكَ وَ ثَنَائِكَ أَيَّرَبَّ لَمَّا
زَيَّنْتَهُمْ بِطِرَازِ الصَّوْمِ زَيَّنْتَهُمْ بِطِرَازِ الْقَبُولِ بِفَضْلِكَ وَ إِحْسَانِكَ لِأَنَّ الْأَعْمَالَ كُلَّهَا مُعَلَّقَةٌ بِقَبُولِكَ وَ مَنْوِطَةٌ
بِأَمْرِكَ لَوْ تَحَكَّمْ لِمَنْ أَفْطَرَ حُكْمَ الصَّوْمِ إِنَّهُ مِمَّنْ صَامَ فِي أَزَلِ الْأَزَالِ وَ لَوْ تَحَكَّمْ لِمَنْ صَامَ حُكْمَ الْأَفْطَارِ
إِنَّهُ مِمَّنْ اغْتَبَّرَ بِهِ ثَوْبُ الْأَمْرِ وَ بَعْدَ عَنْ زُلَالِ هَذَا السَّلْسَالِ أَنْتَ الَّذِي بِكَ نُصِبَتْ رَايَاتُ أَنْتَ الْمَحْمُودُ
فِي فِعْلِكَ وَ اِزْتَفَعْتَ أَعْلَامُ أَنْتَ الْمَطَاعُ فِي أَمْرِكَ عَرَّفَ يَا إِلَهِي عِبَادَكَ هَذَا الْمَقَامَ لِيَعْلَمُوا شَرَفَ كُلِّ أَمْرٍ
بِأَمْرِكَ وَ كَلِمَتِكَ وَ فَضْلَ كُلِّ عَمَلٍ بِإِذْنِكَ وَ إِرَادَتِكَ وَ لِيَرَوْا زِمَامَ الْأَعْمَالِ فِي قَبْضَةِ قَبُولِكَ وَ أَمْرِكَ لِئَلَّا
يَمْنَعَهُمْ شَيْءٌ عَنِ جَمَالِكَ فِيهِذِهِ الْأَيَّامِ الَّتِي فِيهَا يَنْطِقُ الْمَسِيحُ الْمَلِكُ لَكَ يَا مُوجِدَ الرُّوحِ وَ يَتَكَلَّمُ
الْحَبِيبُ لَكَ الْحَمْدُ يَا مَحْبُوبُ بِمَا أَظْهَرْتَ جَمَالَكَ وَ كَتَبْتَ لِأَصْفِيَائِكَ الْوُرُودَ فِي مَقَرِّ ظُهُورِ إِسْمِكَ
الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ نَاحِ الْأُمَمِ إِلَّا مَنْ انْقَطَعَ عَمَّا سِوَاكَ مُقْبِلاً إِلَى مَطْعِ ذَاتِكَ وَ مَطْهَرِ صِفَاتِكَ أَيُّ رَبِّ قَدْ
أَفْطَرَ الْيَوْمَ غُضُنَكَ وَ مَنْ فِي حَوْلِكَ بَعْدَ مَا صَامُوا فِي جِوَارِكَ طَلَباً لِرِضَائِكَ قَدَّرَ لَهُ وَ لَهُمْ وَ لِلَّذِينَ
وَرَدُوا عَلَيْكَ فِيهِذِهِ الْأَيَّامِ كُلِّ خَيْرٍ قَدَّرْتَهُ فِي كِتَابِكَ ثُمَّ ارزَقَهُمْ مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ
أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

یکی از بزرگترین مظاهر و نمادهای تجدد و نو شدن در آئین بهائی "نوروز" است نوروزی که در عهد باستان روزگار تجدید امنیت و تمدن ایرانیان به مدد جمشید پادشاه پیشدادی و برقراری دوباره دوران راحت و آسایش این مردمان است و در عهد معاصر به اراده حضرت رب اعلی، به هستی و نامی مظهر کلی الهی در این دور و کور نوین حضرت بهاء الله به "یوم البهاء" مخصص و موسوم، صدر شهر و مبدأ آنهاست که در آن نفع حیات بر ممکنات مرور میکند و به آموزه قلم ابهی روز شگرگزاری عملی از نعمات الهیه است چنانکه نشانگر فضل جمال قدمی باشد که دنیا و عقبای ما را احاطه کرده است. حضرت عبدالبهاء در خطابه غراء نوروز را فرصتی درخشان و متبرک می دانند که نه تنها باید در آن به سرور و شادمانی پرداخت و اجتماع و تشکیل محافل عمومی داد به شأنی که "وحدت ملت و الفت و یگانگی در جمیع انظار مجسم شود"، بلکه چون روز مبارکی است "نباید این روز را مهمل گذاشت" و با اغتنام تام این فرصت ارزنده، بایسته است مشروعی به جهت خیر عمومی بنیاد گردد و به مبارکی این روز در این دور بدیع به خدمت و عبودیتی موفق شود. کأس بیان را به بیان احلای مبارک می سپارم تا شیرینی مذاق دل و جان گردد: "در چنین یوم مبارکی باید تأسیس مشروعی گردد که فوائد و منافع آن از برای ملت دائمی ماند تا در السن و تاریخ مشهور و معروف گردد که مشروع خیری در فلان روز عیدی تأسیس یافت پس باید دانایان تحقیق و تحرّی نمایند که احتیاج ملت در آن روز به چه اصلاحی است و چه امر خیری لازم و وضع چه اسی از اساس سعادت ملت واجب تا آن اصلاح و آن امر خیر و آن اساس در آن روز تأسیس کنند... باری در این دور بدیع نیز این روز مبارک است. باید احباء الهی در این روز به خدمت و عبودیت موفق شوند با یکدیگر در نهایت الفت و محبت و یگانگی دست در آغوش شوند و به کمال فرح و سرور به ذکر جمال مبارک مشغول گردند و در فکر آن باشند که در چنین یوم مبارکی نتایج عظیمه حاصل شود.

قسمتی از مقاله جناب امید نیکویی